

علم أصول الفقه

٧٧

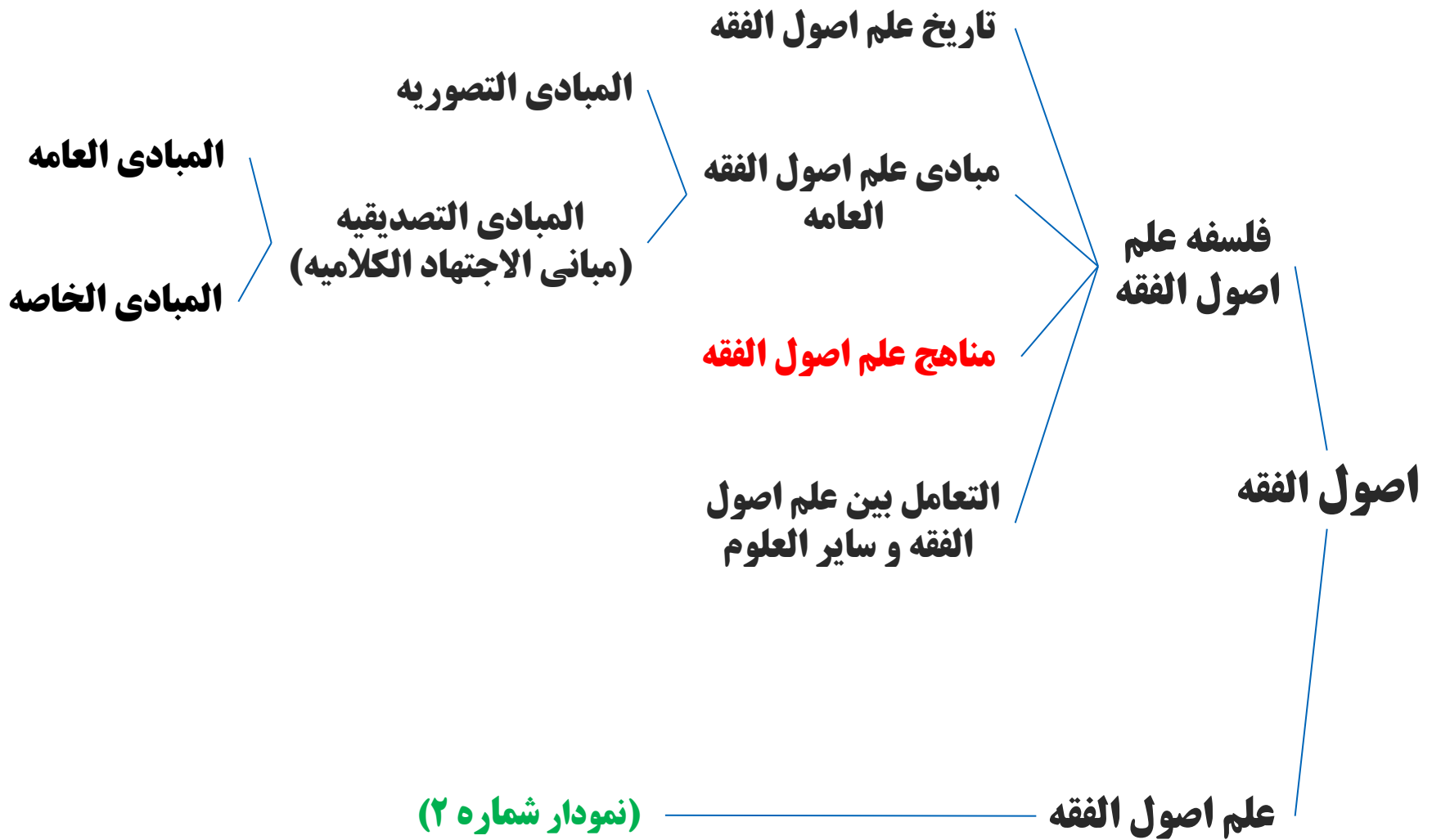
٢٢-١-٩٤ ظهور

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

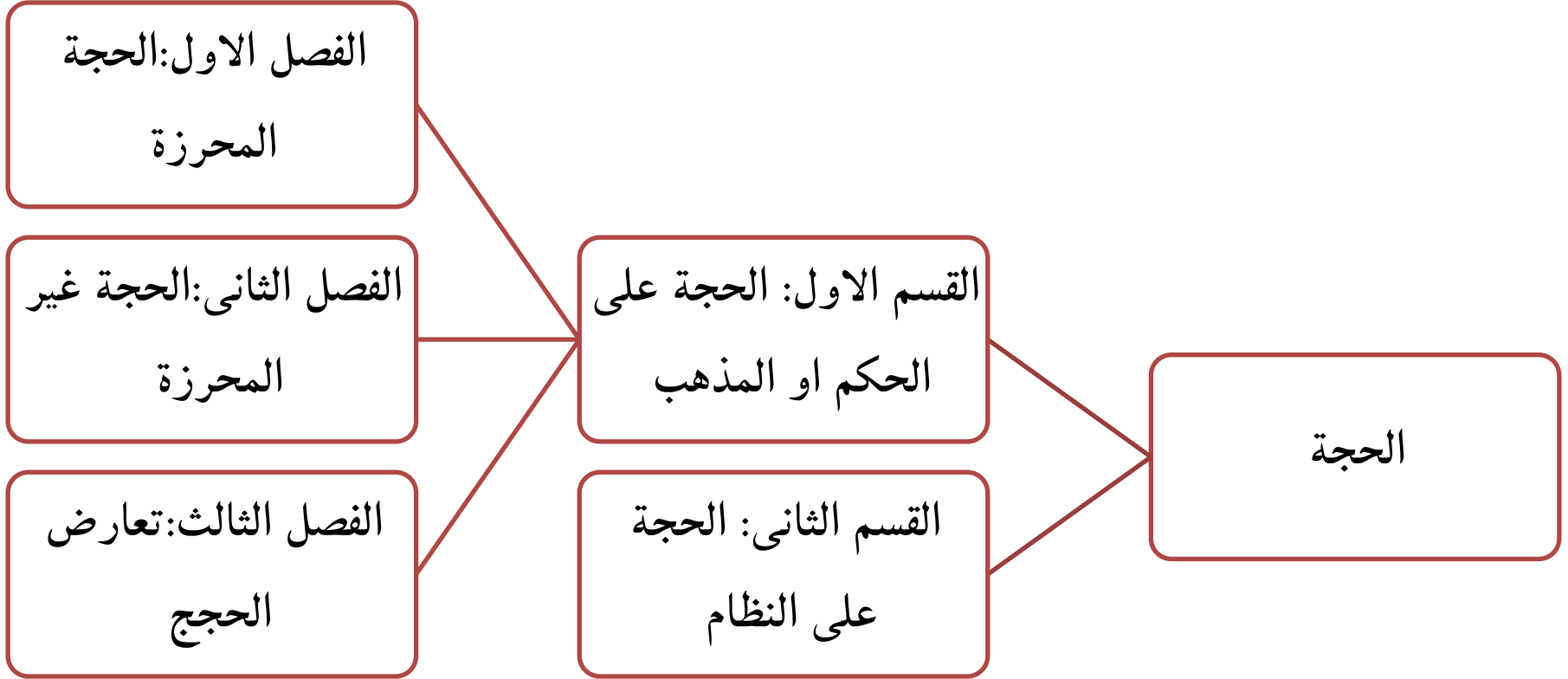
كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (٥٤)

(نمودار شماره ۱)



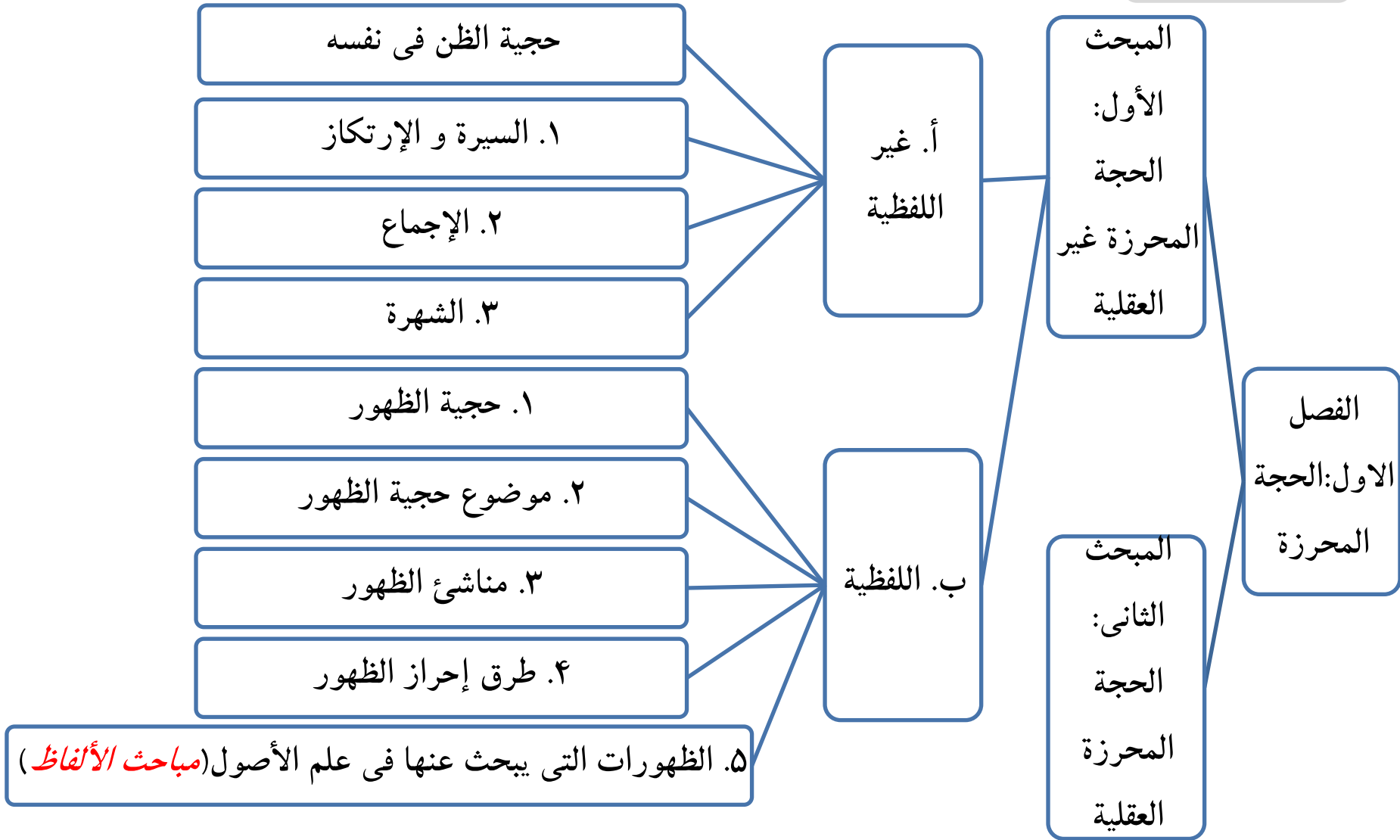
علم أصول الفقه

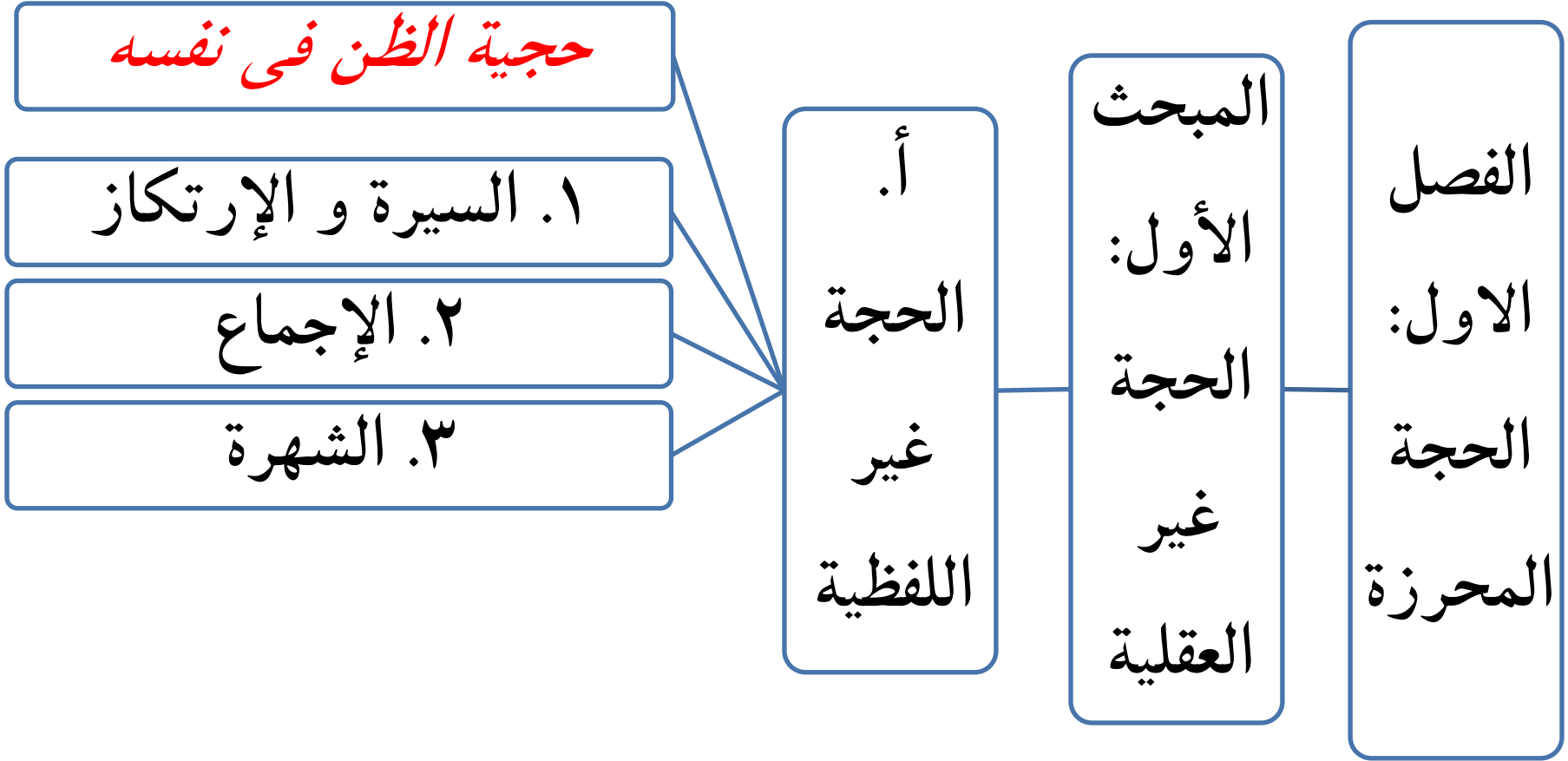


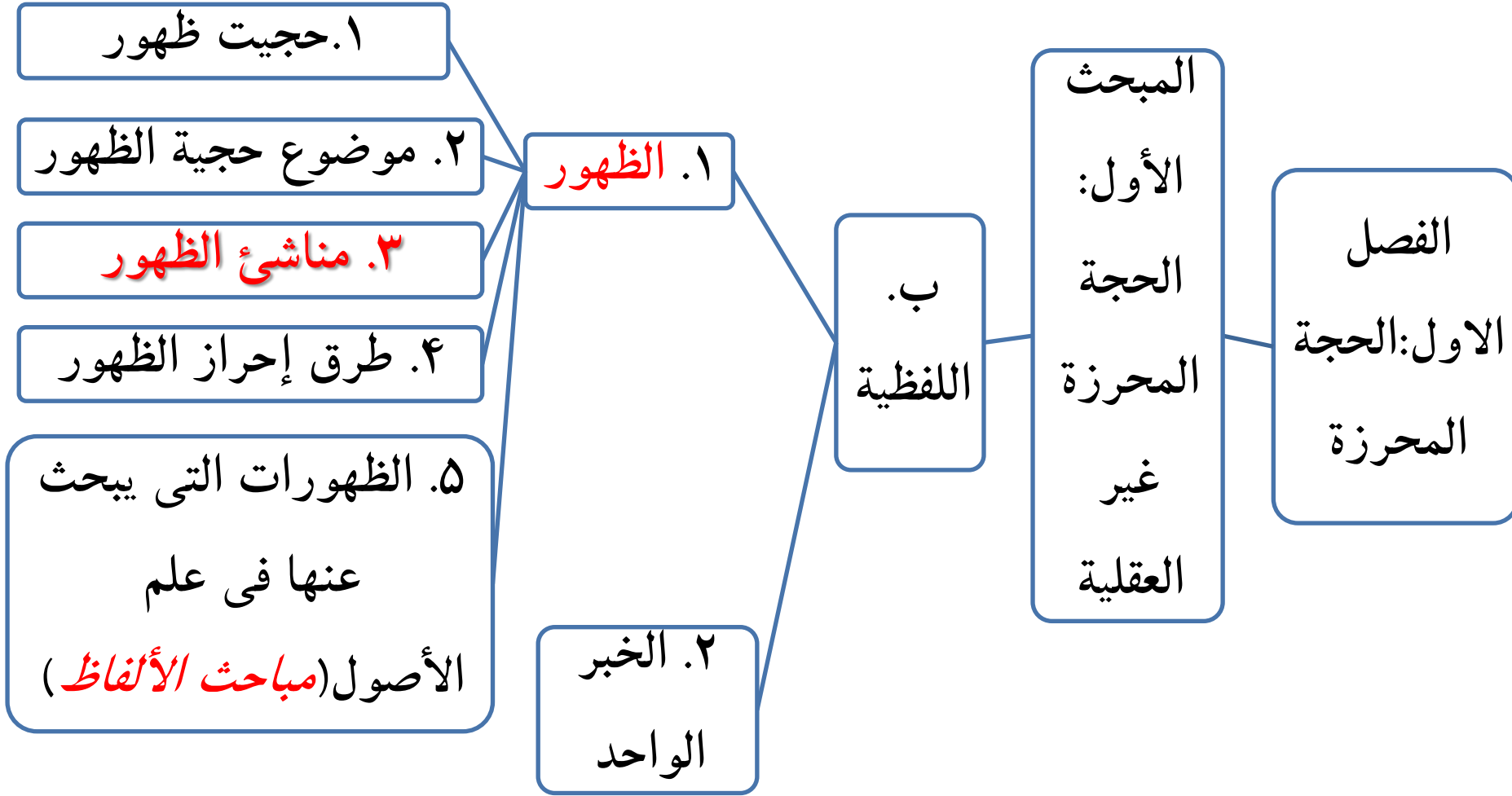
ترتيب اصول متعارف

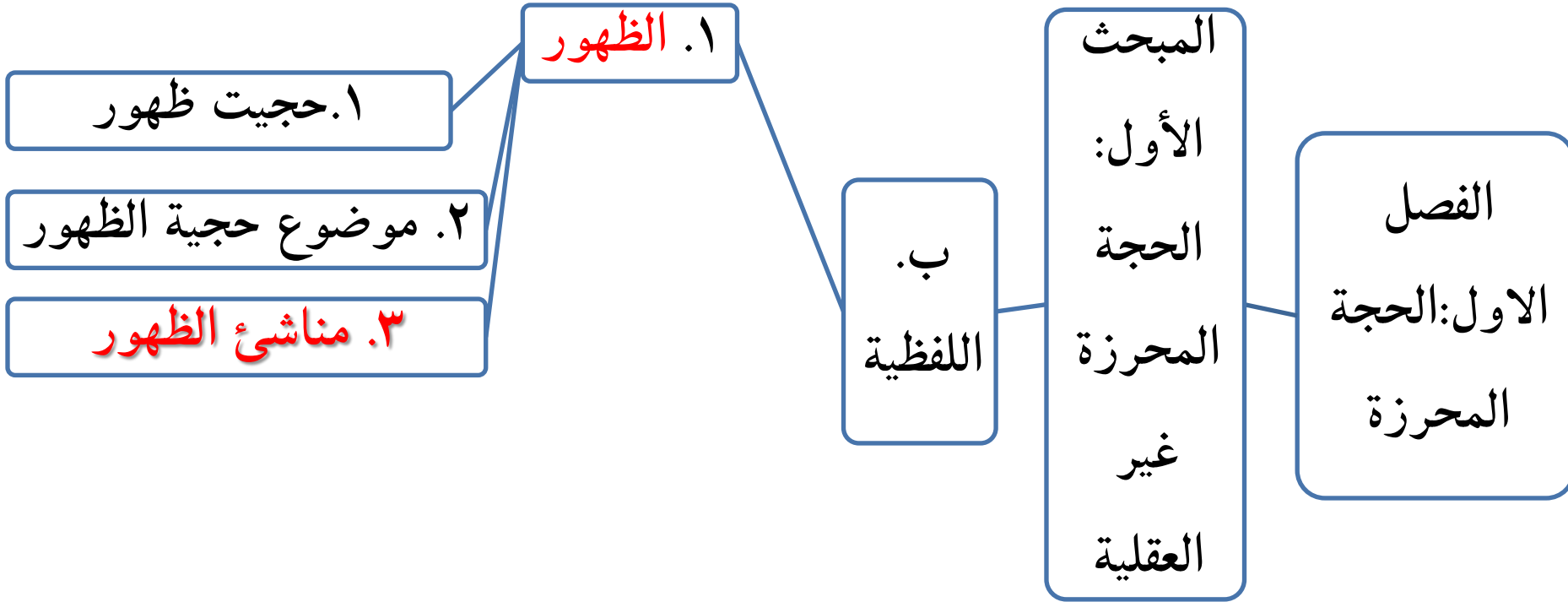


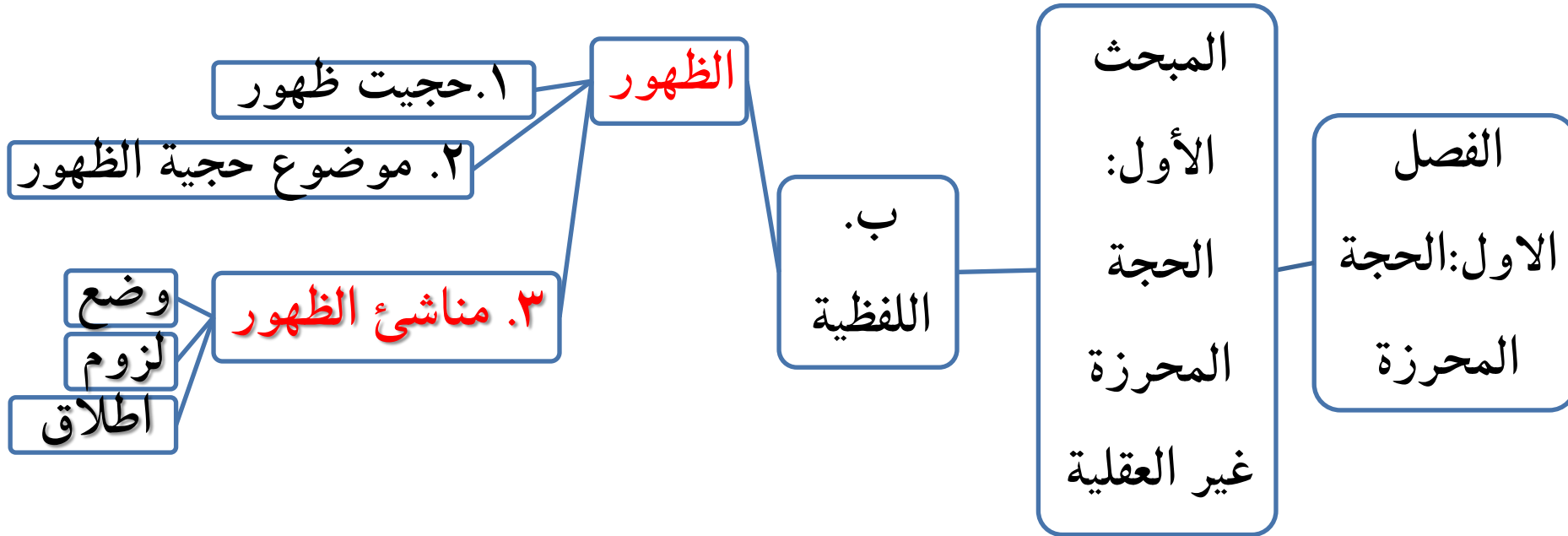
(الظهورات التى
يبحث عنها فى
علم الأصول)



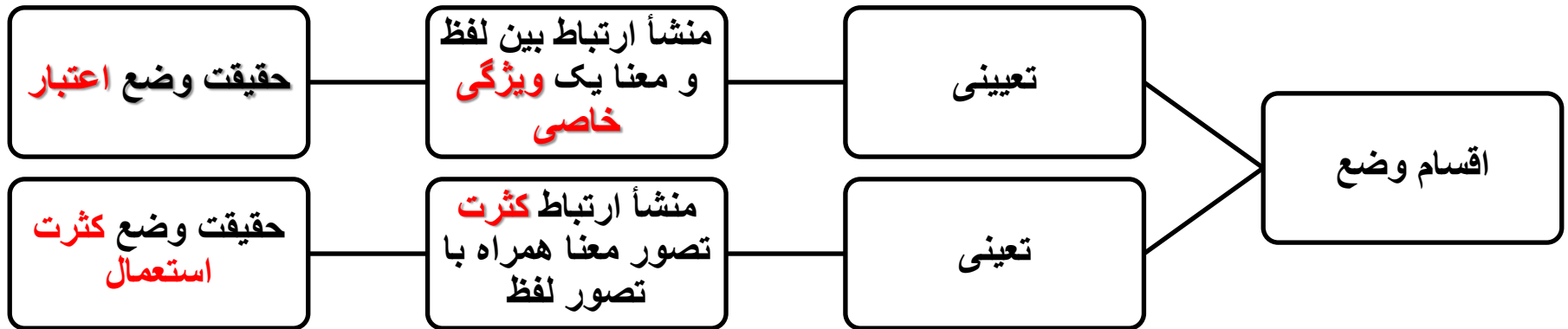


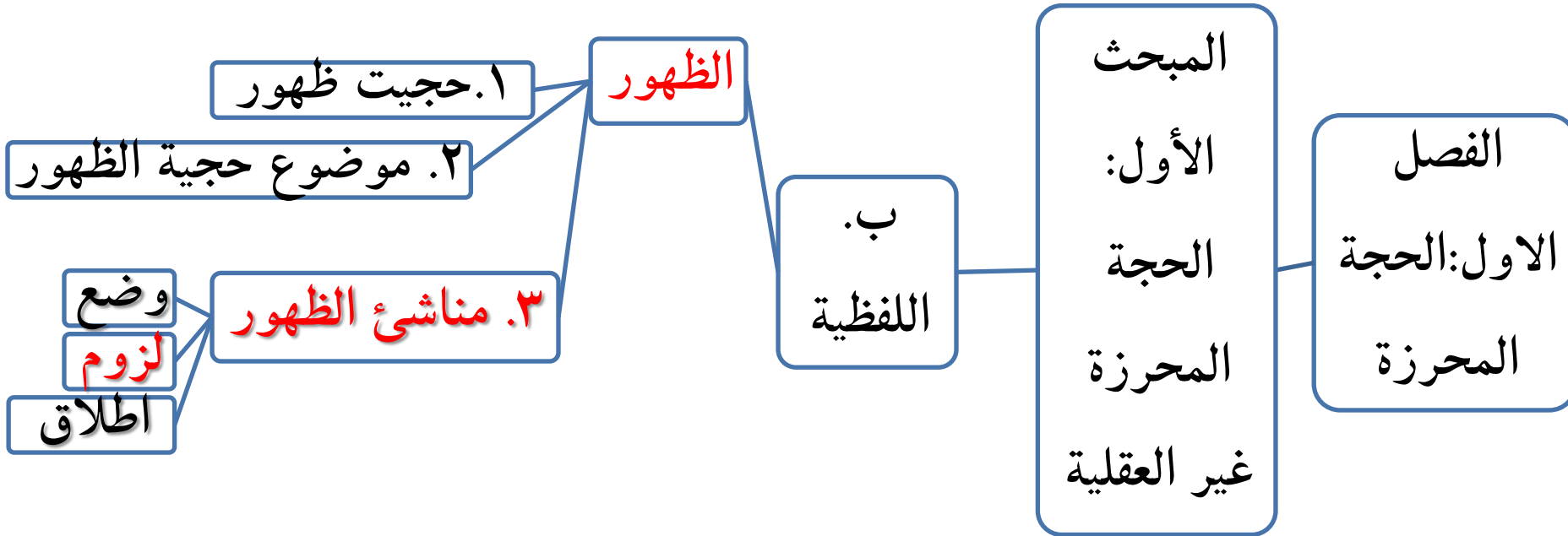




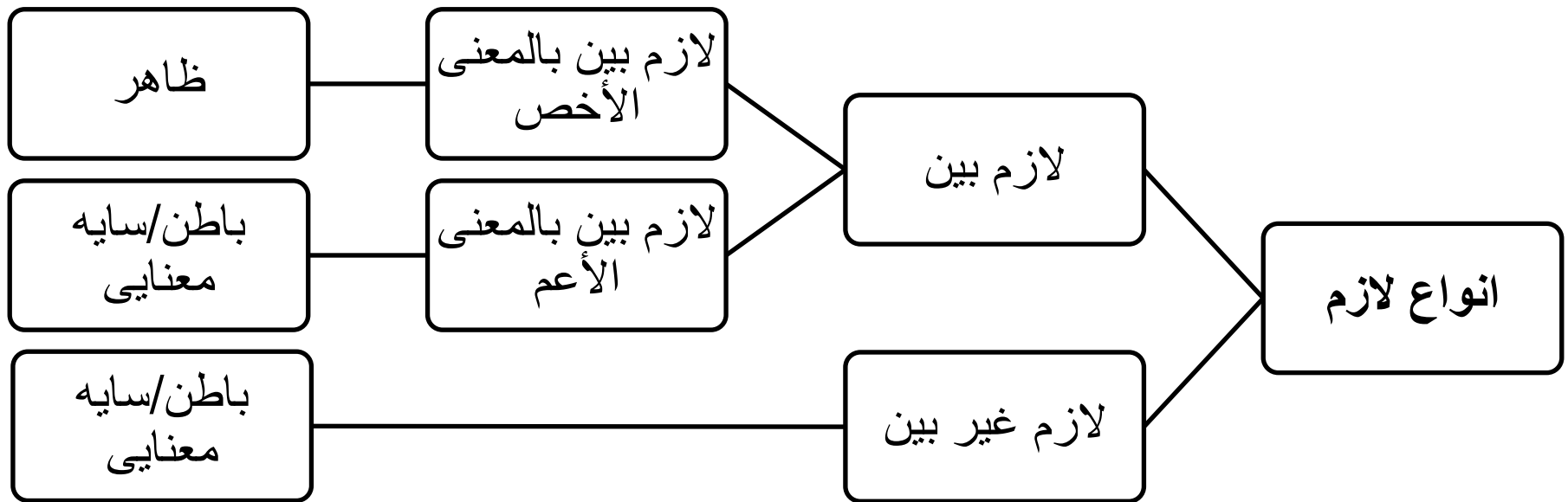


وضع یکی از مناشیء ظهور





لزوم یکی از مناشیء ظهور



استعمال
مجازی

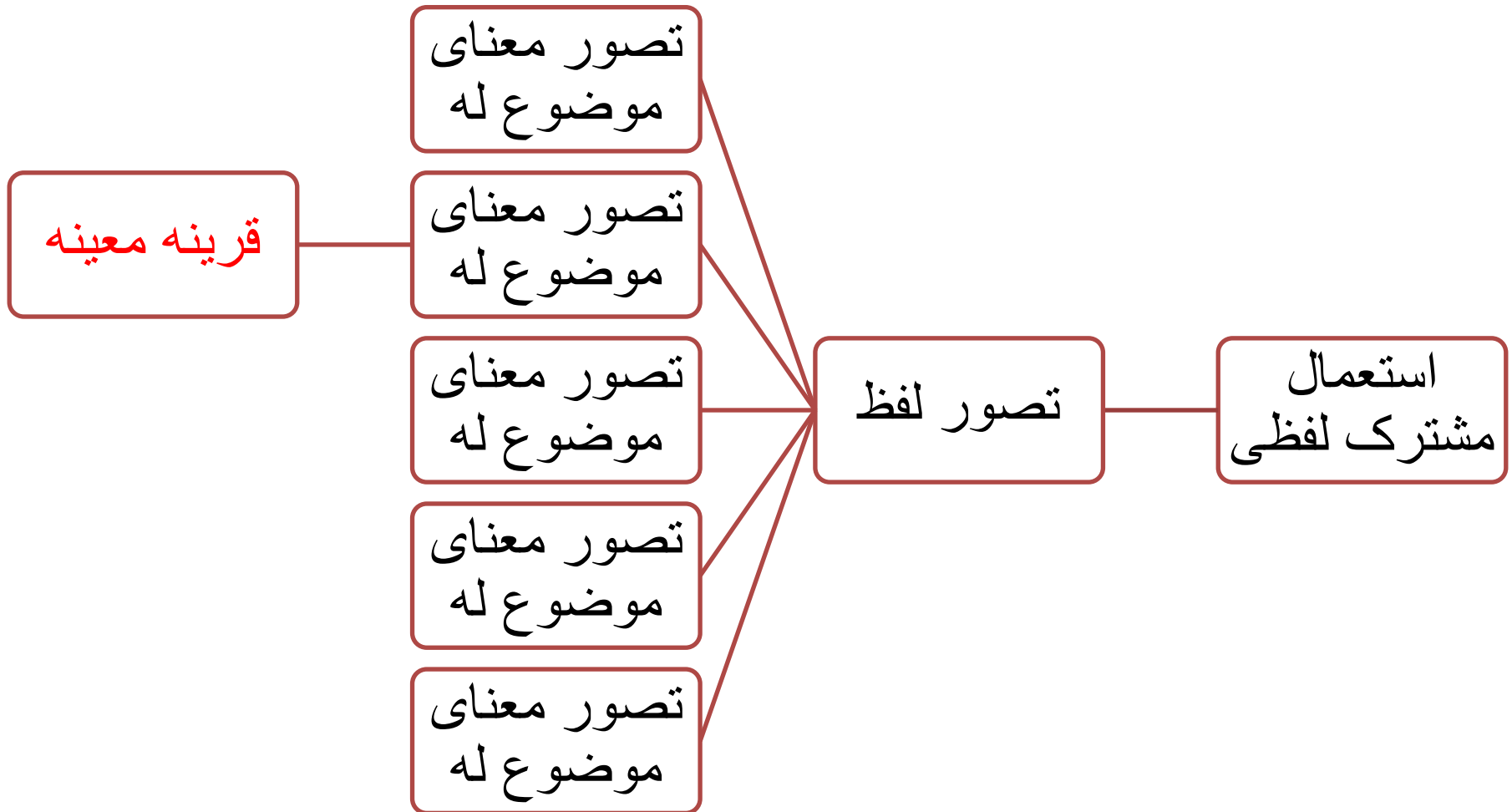
تصور لفظ

تصور معنای
موضوع له

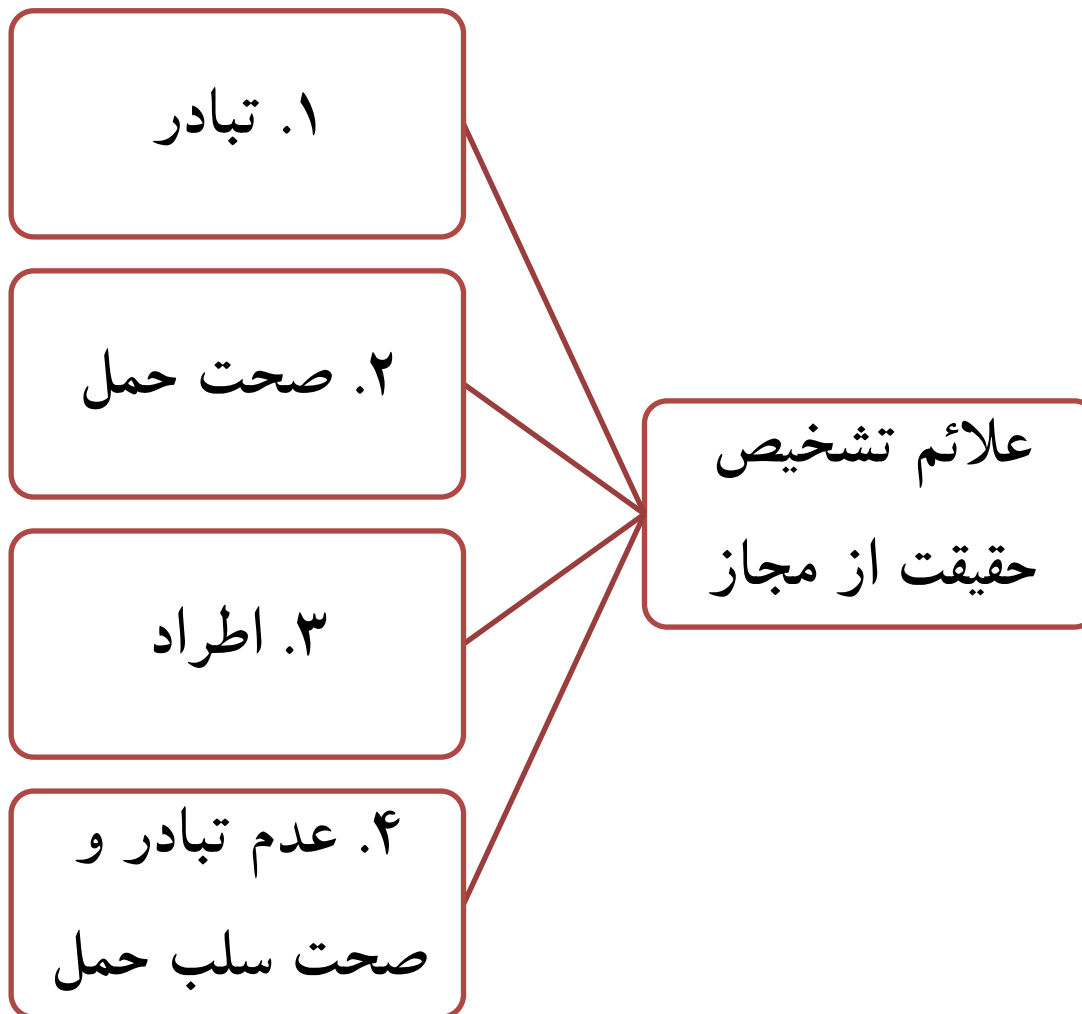
تصور لازم بین
بالمعنى الأخص
معنای موضوع له
قرینه صارفه

وضع یکی از مناشیء ظهور





علائم تشخیص حقیقت از مجاز



تبادر

تصور لفظ

تصور
معنای
موضوع له

تصور لازم بین
بالمعنى الأخص
معنای
موضوع له

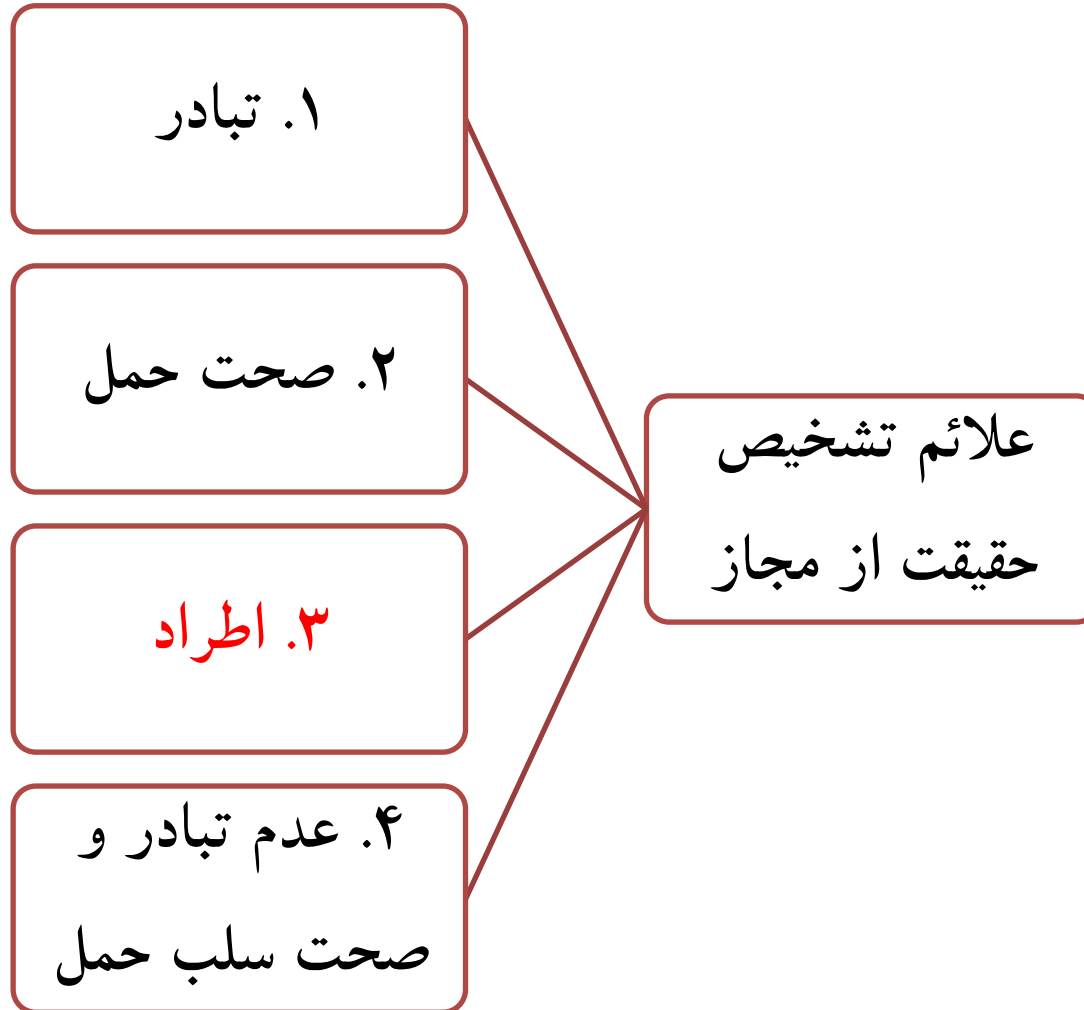
علائم تشخیص حقیقت از مجاز

لفظ با معنای ارتکازی خود
موضوع قضیه منطقی و
آن معنای محتمل محمول

معنای محتمل، موضوع و
لفظ با معنای ارتکازی خود
محمول

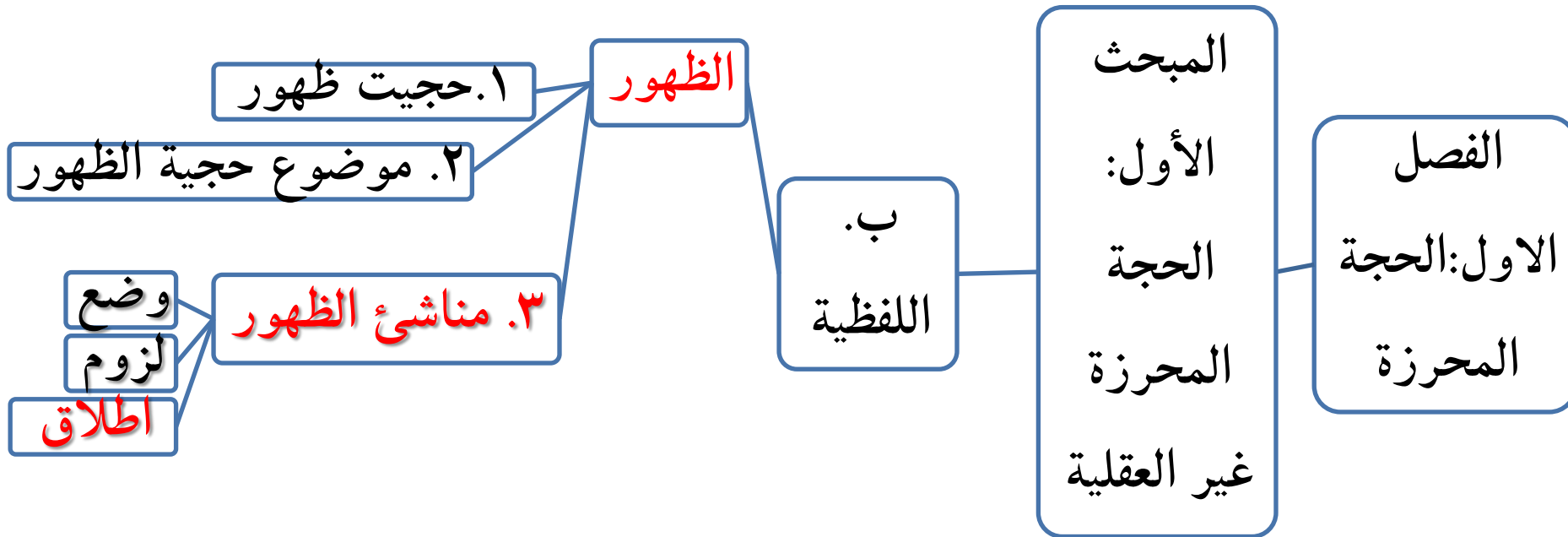
صحت حمل

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

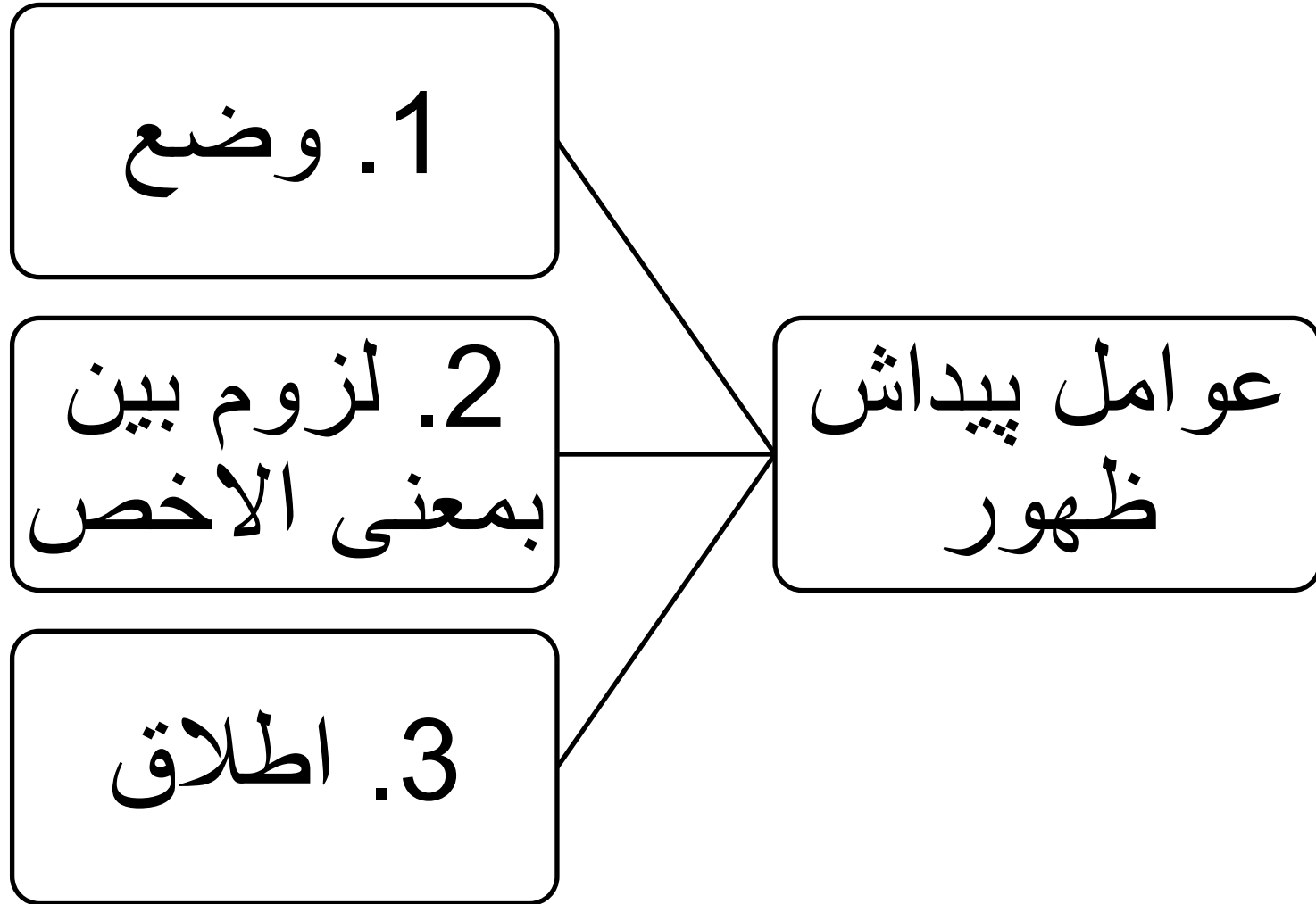


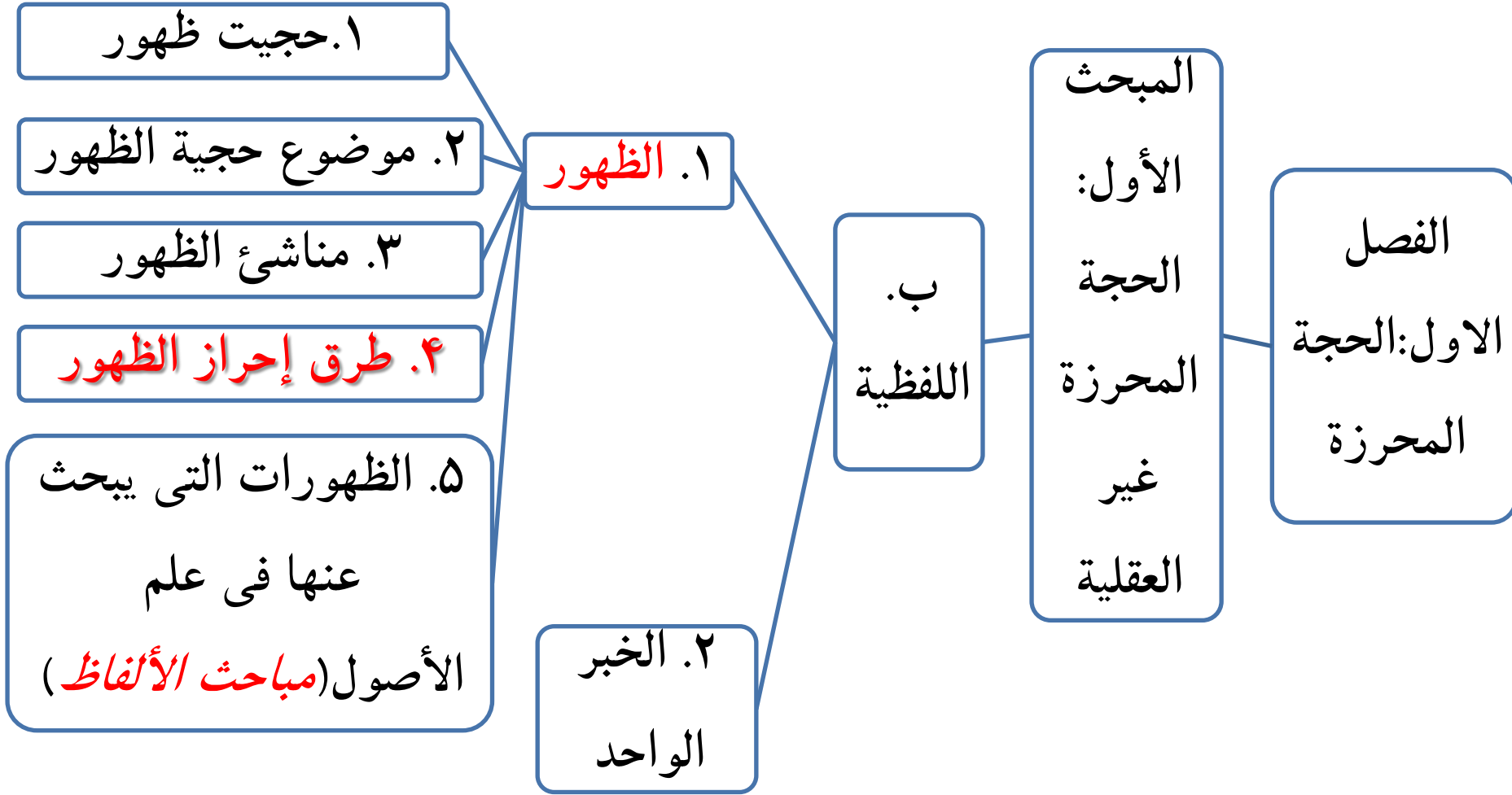
علائم تشخیص حقیقت از مجاز



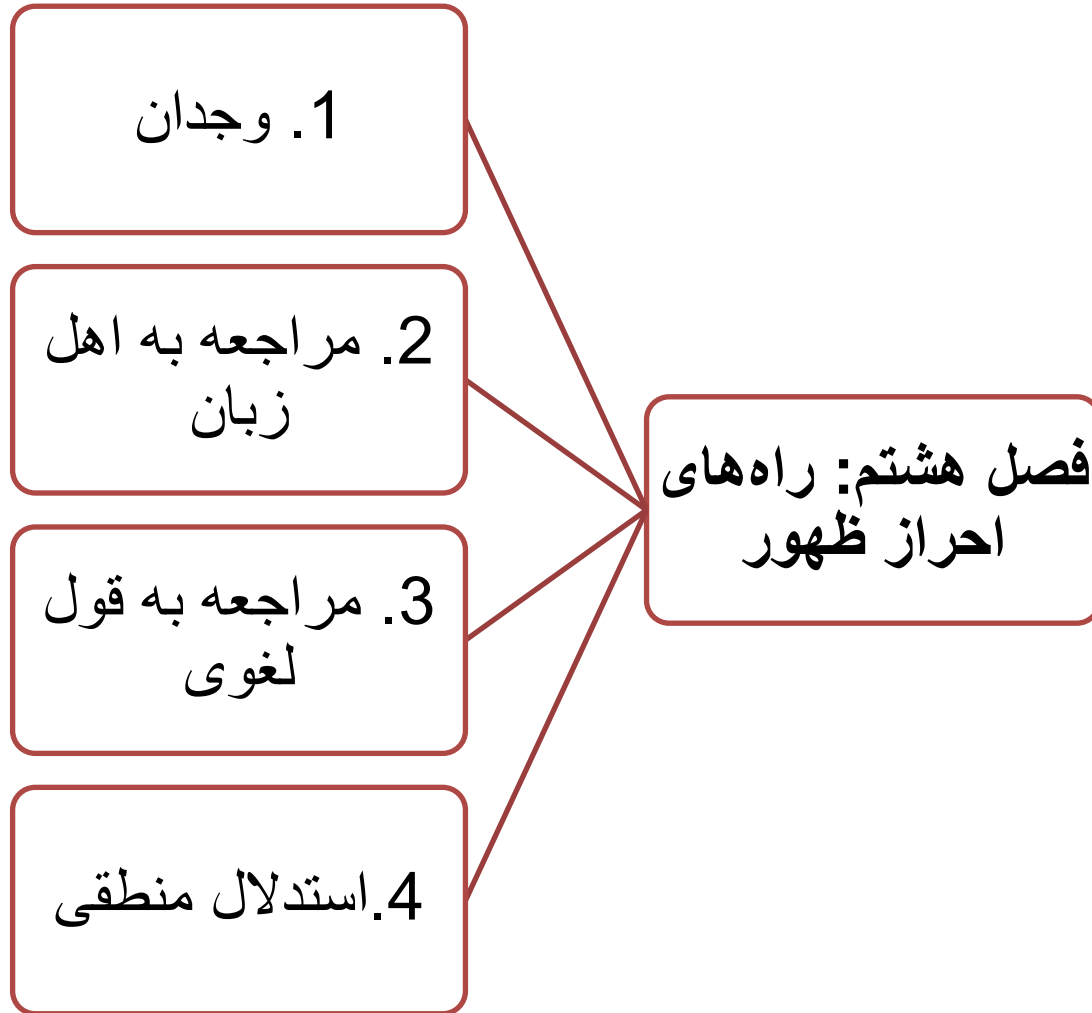


٣. مناقشة الظهور: اطلاق





فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- ۳. مراجعه به قول لغوی
- تفاوت لغوی با اهل زبان در این است که لغوی تنها یک انسان عادی آشنای با زبان نیست، بلکه یک خبره در آن زبان است.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اصولی‌ها بحث کرده‌اند که آیا قول لغوی حجت است یا نه؛ یعنی اگر لغوی به من گفت که این لفظ برای این معنا وضع شده است، آیا با قول لغوی موضوع له مشخص می‌شود.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- قداما قول لغوی را حجت می‌دانستند. سید مرتضی رضوان الله علیه بر حجیت قول لغوی ادعای اجماع کرده است که حداقل کاشف از این است که این نظر در زمان وی مورد قبول بوده است.
- متأخرین در حجت قول لغوی تردید کردند و بسیاری آن را نپذیرفتند.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- این بحث در دو مقام مطرح است: حجیت قول لغوی در تعیین موضوع له و حجیت قول لغوی در تعیین مستعمل فیه.
- گاهی لغوی به ما می‌گوید که این معنا وضع شده است و گاهی می‌گوید که این لفظ در این معنا استعمال شده است و هیچ سخنی از اینکه این استعمال حقیقی است یا مجازی، به میان نمی‌آورد.

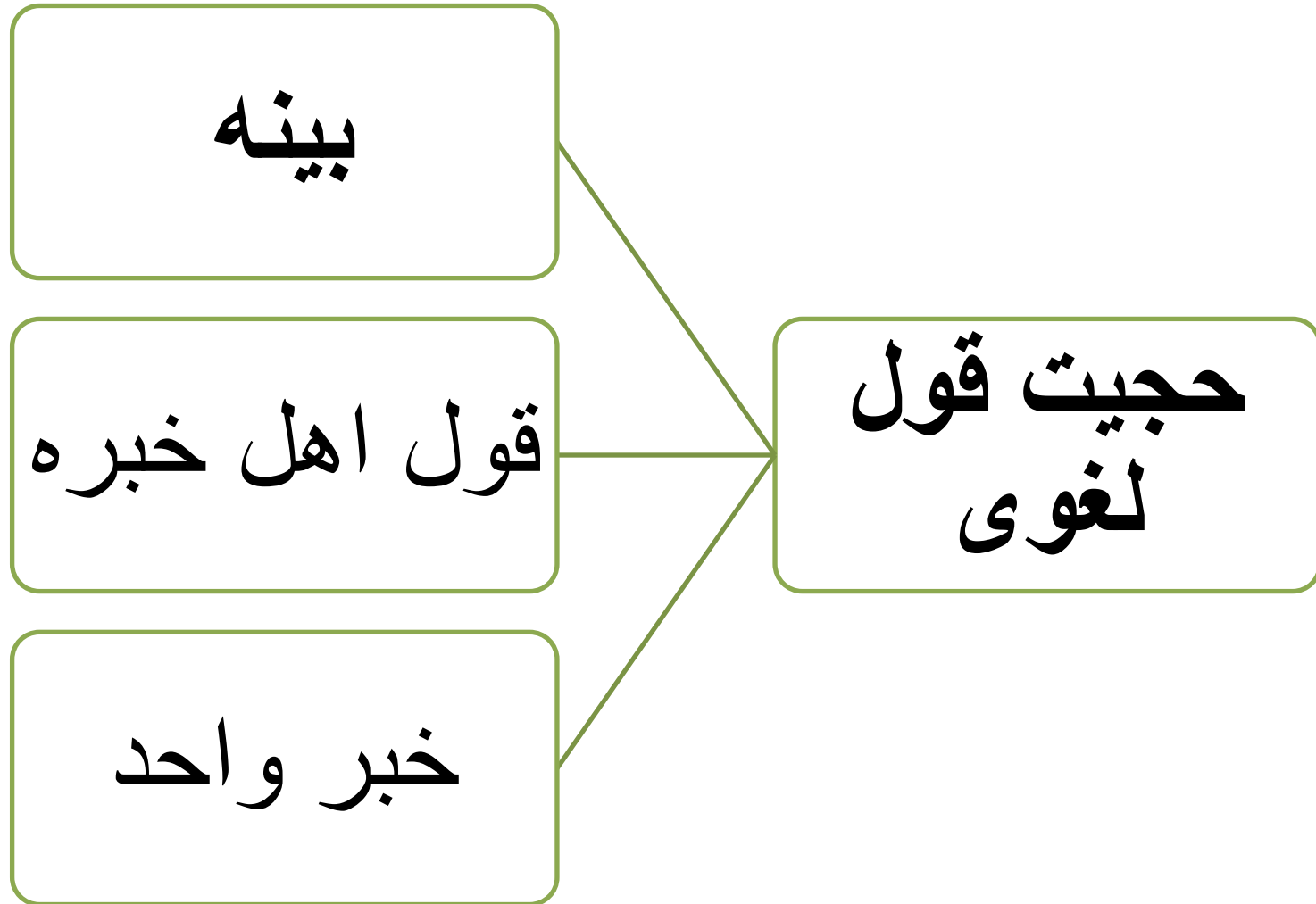
فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- سؤال این است که اگر قرار باشد قول لغوی حجت باشد، از چه بایی حجیت دارد.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- در مباحث رجالی همین سؤال در مورد قول رجالی هم مطرح است که اگر قول رجالی حجت است از چه بابی است؛ یعنی این کلام رجالی را که می‌گویند مثلاً «زراره ثقة» و ما روایتش را اخذ می‌کنیم، از چه بابی می‌پذیریم. در جای خود بحث کرده‌ایم که آیا قول رجالی از باب خبر واحد ثقة حجت است یا از باب قول اهل خبره یا از باب بینه (شهادت عدلین). (ر.ک: هادوی تهرانی، مهدی، تحریر المقال فی کلیات علم الرجال، ص ۲)

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- ۱. حجیت قول لغوی از باب بینه
- بعضی گفته‌اند لغوی درباره لغت و الفاظ حرف می‌زند و این‌ها از قبیل موضوعات هستند و در موضوعات بینه لازم است.
- بنابراین قول لغوی از باب بینه حجت است؛

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- به عبارت دیگر:
- آنچه لغوی برای ما بیان می‌کند حکم شرعی نیست، بلکه موضوع است؛ چون ذات الفاظ و معانی آنها حکم نیستند. (صغری)
- در موضوعات شرعی فقط بینة لازم است. (کبری)
- پس قول لغوی از باب بینة حجت است. (نتیجه)

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- پذیرش این نتیجه آثاری دارد.
- مهم‌ترین آن این است که باید قول لغوی **شرایط بینه** را داشته باشد تا بتواند حجت باشد. برخی از شرایط بینه به شاهد مربوط می‌شود که مهم‌ترین آن **عدالت** است؛ یعنی شاهد باید عادل باشد.
- همچنین در تحقق بینه **دو نفر شاهد** لازم است و نیز این دو شاهد باید **مرد** باشند و معمولاً اگر زن باشند، هر دو زن به منزله یک مرد تلقی می‌شوند.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- برخی از شرایط بینه به خود اخبار بینه برمی‌گردد؛ مثل اینکه اخبار بینه باید عن حس باشد. بینه در مورد اخباری ارزش دارد که مُخبر مشهود علیه را حس می‌کند نه اینکه آن را حدس می‌زند.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- پس شاهد باید در بین اهل زبان جستجو کرده باشد و خودش دیده باشد یا شنیده باشد که اهل زبان این لفظ را در این معنا به کار می‌برند.
- امر در اخبار از مستعمل فیه سهل است؛ اما در جایی که لغوی موضوع له را بیان می‌کند، مسأله فرق می‌کند و در این موارد ممکن است إخبارش عن حس باشد و آن در جایی است که اهل زبان خودشان به او خبر می‌دهند که این لفظ در زبان ما برای این معنا وضع شده است و در واقع لغوی از طریق حس احراز می‌کند.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- در این صورت قول لغوی با تأمین سایر شرایط حجت خواهد بود. لیکن معمولاً اهل زبان اخبار از موضوع له نمی‌دهند و اخبارشان از مستعمل فیه است و معمولاً لغوی برای تعیین موضوع له یک سری تحلیل انجام می‌دهد و به نشانه‌ها و علاماتی تمسک می‌کند که همه آنها امور حدسی است؛ مثلاً می‌بینید این لفظ در این معنا استعمال شده است و زیاد هم استعمال شده است و در بسیاری از این استعمالات قرینه‌ای در کار نبوده است و استعمال لفظ در یک معنایی بدون قرینه به صورت شایع بر اساس بحث‌های گذشته نشان می‌دهد که این معنا حقیقی است. پس وی نتیجه می‌گیرد که باید این لفظ برای معنا وضع شده باشد.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- این نتیجه حسی نیست، بلکه اجتهاد می‌کند و حدس می‌زند مثل فتوای مجتهد که اخبار عن حدس است.
- فقها از خود معصوم علیه السلام مطلبی را نشنیده‌اند و چیزی هم به این‌ها وحی نمی‌شود، بلکه با یک سری ضوابطی و با استدلال‌هایی اجتهاد می‌کنند و یک مطلبی را حدس می‌زنند.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اشکال بر مقدمة اول
- در بعضی مواردی لغوی از معنای یک لفظ خبر می‌دهد و آن معنا در تعیین حکم دخالت می‌کند نه در تعیین موضوع.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- مثلاً در احکام تکلیفی فرض کنید معنای لفظ کراهت یا معنای لفظ وجوب یا معنای صیغه امر یا معنای صیغه نهی را بیان کند و ما بخواهیم با این‌ها حکم را به دست بیاوریم.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- در احکام وضعی مثل اینکه الفاظی را بیان کند که حاوی یک حکم وضعی نظیر نجاست، شرطیت و جزئیت باشد؛ مثلاً در آیه «إنما المشركون نجس» لفظ «نجس» وارد شده است. مراجعه به لغت و معنایی که لغوی برای نجس تعیین می‌کند در اثبات نجاست مشرکان نقش دارد. اگر ما به لغوی مراجعه کردیم و گفت نجس به معنای نجاست مصطلح است و برای همین معنا وضع شده است، نتیجه می‌گیریم که پس مشرکین به اصطلاح فقهی نجس‌اند.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- بنابراین همیشه این طور نیست که قول لغوی به حوزه موضوع مربوط باشد، بلکه در بعضی موارد قول لغوی به حوزه حکم مربوط می‌شود.

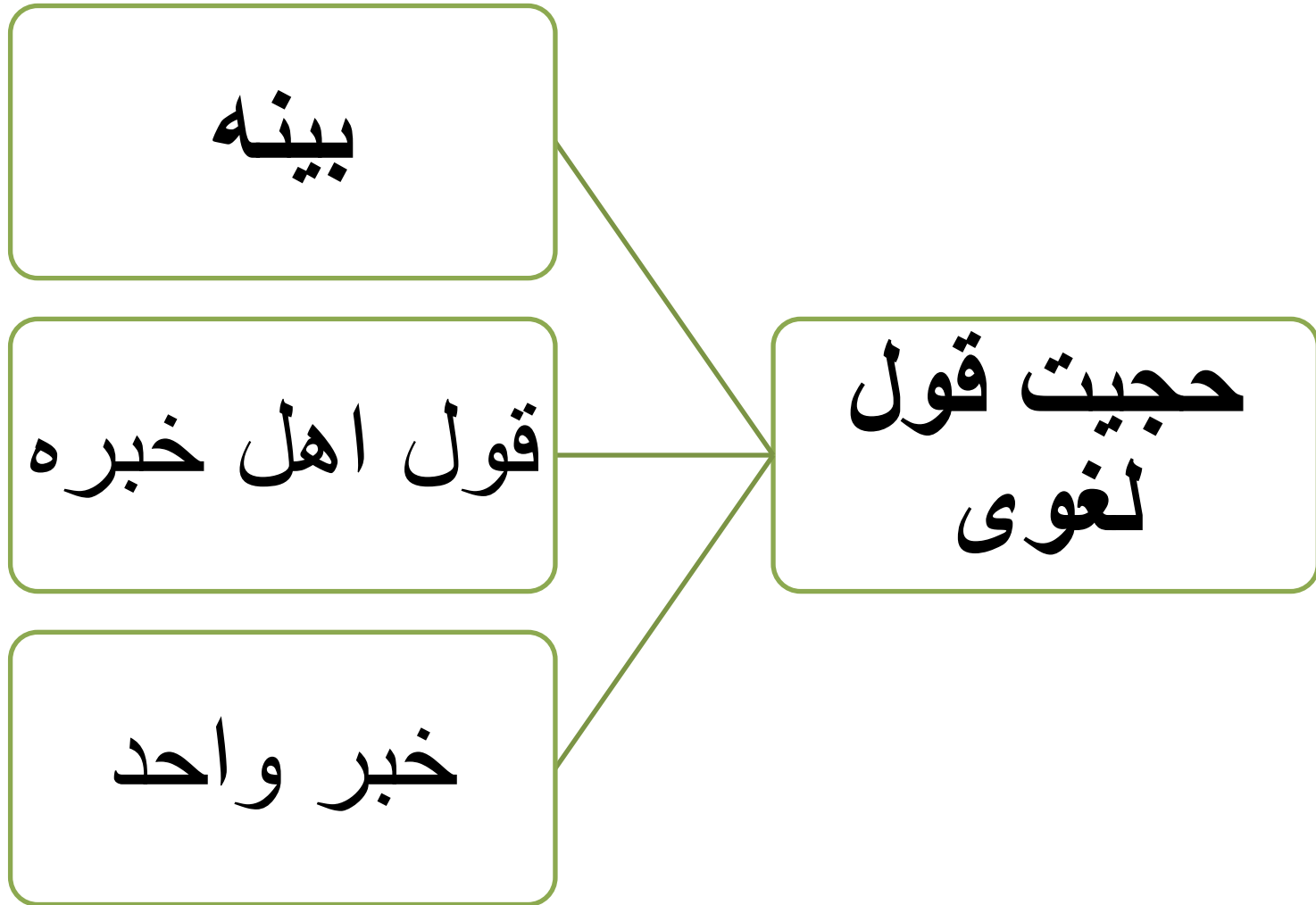
فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اشکال بر مقدمه دوم
- ما کبری را قبول نداریم و معتقدیم که خبر واحد هم در احکام و هم در موضوعات حجت است.
- خلاصه سخن آنکه در بحث در بحث حجیت خبر واحد خواهیم گفت که خبر واحد حجت است هم در احکام و هم در موضوعات و بینه به مواردی اختصاص دارد که دلیل خاص بر اعتبار بینه داریم.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- بنابراین قول لغوی از باب بینة حجت نیست؛ چون دلیل خاص نداریم. حال این سؤال مطرح می‌شود که قول لغوی از باب خبر واحد حجت است یا از باب قول خبره؟

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- ۲. حجیت قول لغوی از باب خبرویت
- سیرة عقلا این است که در مسائل تخصصی به متخصص مراجعه می‌کنند و مسئولیت رفتارشان را بر عهده آن متخصص می‌گذارند. شارع هم این سیرة عقلایی را پذیرفته است. به همین دلیل ما در بحث تقلید می‌گوییم تقلید به دلیل سیرة عقلا مشروع است؛ زیرا تقلید چیزی نیست جز مراجعه به اهل خبره در مسائلی که نیاز به خبرویت دارد از نظر عقلا در فرد خبره دو چیز معتبر است: یکی خبرویت و دیگری وثاقت.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- سؤال این است که آیا زائد بر دو شرط عقلائی برای رجوع به اهل خبره لازم است که من به قول تخصصی او اطمینان پیدا کنم؛ مثلاً یک پزشکی که اظهار نظر می‌کند، اگر به کلامش اطمینان پیدا نکردم، قولش حجت نباشد و مثل قول غیرپزشک تلقی شود.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اگر در مورد بیماری خودم به یک فرد غیر متخصص مراجعه کنم و او بگوید شما مثلاً زخم معده دارید و باید فعلاً دارو را بخورید. بعد آن دارو را بخورم حالم بد شود، در اینجا عقلاً مرا تقبیح می‌کنند و می‌گویند مگر او متخصص است که تو از آن نسخه گرفتی. حال فرض کنید به یک متخصص گوارش مراجعه کردم و وی گفت خوب باید آزمایش بدهی و بعد از بررسی آزمایش گفت شما زخم معده داریم و این داروی شما است؛ اما اطمینان به تشخیص و درمان وی پیدا نکردم.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- آیا در چنین فرضی وقتی به نسخه این پزشک عمل کنم، از نظر عقلا مثل عمل کردن به نسخه غیر متخصص است؟ اگر بگویید معیار حجیت در قول خبره، اطمینان است، هیچ فرقی بین این دو نسخه نیست!

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- مرحوم آخوند می‌فرمایند اگر قول لغوی از باب قول اهل خبره معتبر باشد، وقتی حجت است که ما به کلامش وثوق و اطمینان پیدا کنیم. پس مادامی که این وثوق پیدا نشده است، حجت نخواهد بود.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- شهید صدر - رضوان اللہ علیہ - اشکال می‌کنند که سخن مرحوم آخوند با موارد دیگری که ما در آنجا به قول شخصی از باب خبره مراجعه می‌کنیم، سازگار نیست.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- یکی از مهم‌ترین این موارد، مراجعه مستفتی به مفتی، و یا همان مراجعه شخص مقلد به فقیه است. فقیه از باب اینکه خبره است، قولش حجیت دارد.
- در اینجا لازم نیست شخص عامی اطمینان پیدا کند که فتوای فقیه مطابق با واقع است، بلکه همین مقدار که این شخص خبره است و با توجه به خبرویتش نظری را اظهار کرد، برای این شخص عامی حجت خواهد بود.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- فتوای یک فقیه در مقایسه با یک کسی که بی‌سواد است در نظر مردم قابل اعتمادتر است؛ چنان‌که نظر یک پزشک متخصص در مسائل پزشکی در مقایسه با مثلاً بقال قابل اعتمادتر است؛ چون این متخصص است و آن نیست؛ اما معنا قابل اعتماد تر بودن این نیست که قول متخصص موجب اطمینان من است. معنای حجیت قول لغوی

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اساساً حجیت قول لغوی یعنی اینکه به من بگویند این لفظ معنایش فلان است. آنگاه بگویم چرا؟ بگویند به گفته فلان لغوی؛ به عبارت دیگر حجیت قول لغوی یعنی اینکه مستند من، قول لغوی باشد.
- پس اگر خودم هم متخصص هستم و با مراجعه به لغت و منابع دیگر اطمینان پیدا می‌کنم، دیگر به حجیت قول لغوی کار ندارم.

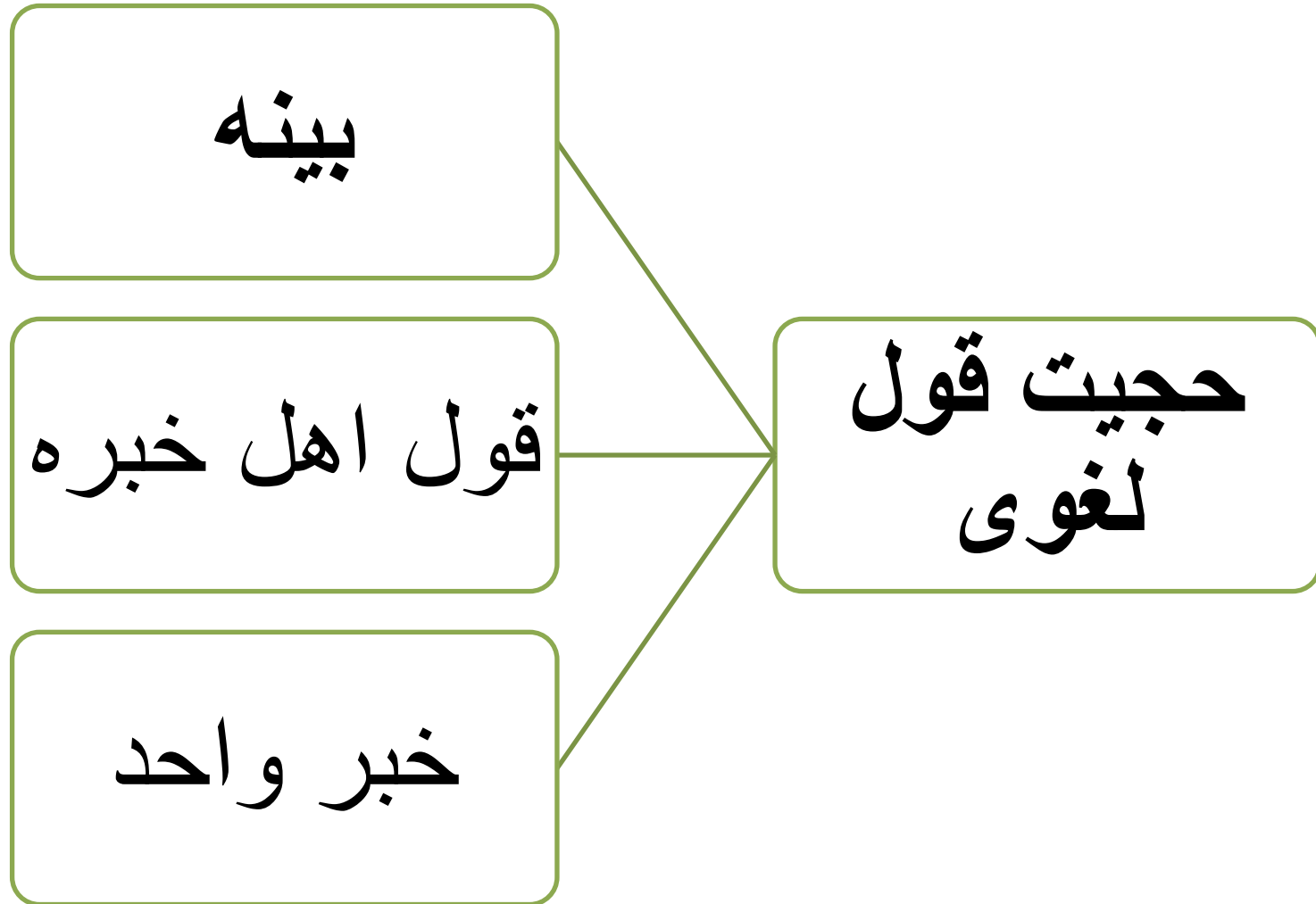
فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- شارع یک سری شرایط زائد بر شرایط عقلائی را در مفتی معتبر دانسته است. حداقل از نظر فتوای مشهور فقها چنین است که مرجع تقلید باید عادل باشد. پس وثاقت کافی نیست. در حقیقت این‌ها شرایطی هستند که تعبداً اضافه شده است و گرنه در قول اهل خبره این امور لازم نیست.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- . كفاية الأصول، ص ٢٨٧.
- . بحوث في علم الأصول، ج ٤، ص ٢٩٦.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- ۳. حجیت قول لغوی از باب خبر واحد
- اصل سؤال در محل بحث این است که قول لغوی از باب قول خبره حجت است یا نه؛ به عبارت دیگر آیا مسأله لغت یک مسأله تخصصی است یا نه. اگر تخصصی باشد، بحث اهل خبره معنا دارد و اگر تخصصی نباشد دیگر بحث از خبرویت معنا ندارد.
- شهید صدر رضوان الله علیه می‌گوید چون مسأله لغت امر حسی است، نیاز به خبرویت ندارد. در واقع معیاری را که ایشان برای نیاز به خبرویت مطرح می‌کند، حدسی بودن است.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- می‌گویند اینکه لفظ در چه معنایی استعمال می‌شود یا برای چه معنایی وضع شده است، امری حسی است. بنابراین حجیت قول لغوی در نظر ایشان از باب خبر واحد حجت است. به همین دلیل در حجیت قول لغوی همان شرایط خبر واحد مثل وثاقت و اخبار از حس لازم است.
- . همان، ص ۲۹۷.